رهبر معظم انقلاب در آستانه پنجمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی ضمن تشریح فعالیت‌های سردار دل‌ها در توصیف ایشان عنوان کردند:

احیاگر جبهه مقاومت

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح چهارشنبه در آستانه پنجمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، در دیدار خانواده سردار و جمعی از خانواده‌های «شهیدان مدافع حرم و شهیدان مقاومت»، با تبیین برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حاج قاسم سلیمانی گفتند: باید با درس گرفتن از این خصوصیات در مسیر هدف اصلی مکتب سلیمانی یعنی «تحقق اسلام و قرآن» حرکت کرد. مشروح سخنان ایشان به شرح زیر است:

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. ما در آستانه ماه رجب قرار داریم؛ ماه دعا، ماه عبادت، ماه توسّل الی‌الله. از فرصت این ماه استفاده کنیم، دلهایمان را، جانهایمان را، نیّت‌هایمان را وصل کنیم به دریای بی‌کرانه رحمت الهی. کارها دست خدا است؛ از خدا همّت بخواهیم، از خدا توان بخواهیم، از خدا توفیق بندگی بخواهیم. دعاهای ماه رجب سرشار است از مضامین و مفاهیم بلند و معارف عالی الهی و اسلامی. از خدا طلب عافیت کنید، طلب توفیق کنید، طلب نصرت کنید.

جلسه امروز ما به مناسبت سالگرد شهادت شهید عزیز ما شهید سلیمانی و سالگرد شهادت جمع زائران مرقد شهید سلیمانی در سال گذشته است، که بعضی از خانواده‌ها اینجا حضور دارند؛ جمعی از برادران و خواهران لبنانی هم ـ چه از آسیب دیدگان حوادث لبنان و چه غیر آنها ـ در این جمع هستند. جمع شهادت است، جمع اخلاص است. فضای حسینیّه با حضور شماها، با حضور این جمع های نورانی، نورانیّت می‌گیرد.

خدای متعال نشان داد که عزّت دست او است. این عزّت است دیگر؛ اینکه مردم از راه‌های دور، گاهی از کشورهای دیگر، سر سالگرد شهادت سلیمانی راه بیفتند برای اینکه به مقبره او، به مرقد او برسند، مرقد او را زیارت کنند، برایش فاتحه بخوانند، این عزّت نیست؟ عزّت این است. وقتی برای خدا کار می‌کنید، خدا هم این جور جواب می‌دهد. [البتّه] این در دنیا است؛ حالا مقامات او در عالم رحمت الهی و نعمت الهی برای ما قابل تصوّر هم نیست، امّا پاداش دنیوی‌اش این است که ملاحظه می‌کنید: این مرقد او است که هزاران نفر راه می‌افتند می‌روند مرقد او را زیارت کنند. این عزّت را خدا می‌دهد؛ وقتی با اخلاص کار کردیم، خدا هم این جور جواب می‌دهد. بعضی‌ها برای عزّت دنبال ابزار و وسیله‌های غلط حرکت می‌کنند.

در قرآن می‌فرماید: اَیَبتَغونَ عِندَهُمُ العِزَّة؛ می‌روند سراغ کفّار، می‌روند سراغ افراد منافق برای اینکه عزّت به دست بیاورند؟ فَاِنَّ العِزَّةَ لِلّهِ جَمیعاً؛ عزّت دست خدا است، مال خدا است، در اختیار خدا است. این آیه از سوره نساء بود. آیه دیگر در سوره فاطر: مَن کانَ یُریدُ العِزَّةَ فَلِلّهِ العِزَّةُ جَمیعاً؛ عزّت دست خدا است. این‌ها را باید فهمید، باید در سبک زندگی و جهت زندگی این دانسته‌ها را، این معرفت‌ها را تأثیر داد، داخل کرد. بدانیم اگر دنبال عزّت هستیم، عزّت کجا است، معدن عزّت کجا است.

چند نکته عرض می‌کنم؛ یک نکته درباره شهید سلیمانی است. خب درباره شهید سلیمانی خیلی حرف زده شد، صحبت شد؛ از خصوصیّات او، از حالات او کتاب‌ها نوشته شد، آثار هنری تولید شد؛ گویندگان خیلی گفته‌اند. بنده هم مطالبی قبلاً مکرّراً عرض کرده‌ام. امروز چند مطلب کوتاه را عرض می‌کنم راجع به شهید سلیمانی برای اینکه یاد بگیریم؛ یاد بکنیم برای اینکه ما هم در این جهت حرکت کنیم.

مطلب اوّل اینکه از اوایل دهه ۸۰ که شرارت‌های نظامی آمریکا در منطقه ما ـ در افغانستان، در عراق ـ شروع شد و رسماً آمریکا وارد میدان شد و حقیقتاً شرارت کرد، از همان اوّل کار شهید سلیمانی وارد میدان شد؛ به خطر نیندیشید، به ابّهت دشمن فکر نکرد. البتّه هدف اصلی آنها ایران بود؛ حمله به افغانستان در شرق ایران، حمله به عراق در غرب ایران، هر کدام با یک بهانه‌ای. صورت قضیّه این بود [امّا] باطن قضیّه این بود که ایران اسلامی و ملّت ایران از دو طرف محاصره بشوند؛ هدف این بود. وقتی آن دو حمله خنثی شد، طبعاً دشمن به نتیجه نرسید. شهید سلیمانی از همان اوّل وارد میدان شد. نقش این مرد شریف و صادق در این جهاد یک نقش بی‌بدیلی است. خودش که نه می‌گفت، نه می‌نوشت؛ گمان هم نمی‌کنم کس دیگری این خصوصیّات و این ریزه‌کاری‌ها را توانسته باشد بنویسد تا بماند که این یکی از چیزهای مایه تأسّف است. البتّه معلومات زیاد است؛ در این زمینه اطلاعاتی که پیش ما و پیش دیگران هست، خیلی است امّا باید این‌ها در معارفِ سیاسی کشور ما بماند؛ این‌ها باید سند بشود تا نسل‌های بعد بفهمند.

ازهمان اوّل که نیروهای خارجی به شهرهای عراق ـ به نجف، به کربلا، به کاظمین، بغداد و جاهای دیگر حمله کرده بودند، یک جمع معدودی از جوان‌ها، یک عدّه‌ای از جوان‌ها در نجف، در صحن مطهّر امیرالمؤمنین سنگر گرفته بودند بی‌پناه، که نه سلاح درستی [داشتند]، نه حتّی غذای درستی. سلیمانی از اینجا احساس تکلیف کرد، شروع کرد با این‌ها ارتباط برقرار کردن و کمکشان کرد؛ نجاتشان داد. البتّه در آن وقت، یک حرکت خیلی خوب و بسیار مؤثّری هم مرجعیّت کرد که آن هم فوق العادّه مهم بود، مؤثّر بود [امّا] اوّل سلیمانی وارد میدان شد. آمریکایی‌ها به عراق نیامده بودند که صدّام را بردارند و خودشان هم بروند؛ آمده بودند صدّام را بردارند، خودشان به جای او بنشینند. اوّل یک حاکم نظامی را، یک ژنرال نظامی را بر عراق حاکم کردند؛ بعد دیدند این [کار] خیلی زشت است، او را برداشتند و یک فرد سیاسی به نام برمر را گذاشتند. آن کسی که موجب شد که این شخص دوّم برداشته بشود و در یک فرآیند سخت و پیچیده و طولانی، عراق به دست خود عراقی‌ها بیفتد و خودشان حاکمان خودشان را انتخاب کنند، در آن نقطه اصلی، شهید سلیمانی بود، با کارهایی که کرد. یک جنگ ترکیبی راه انداخت؛ جنگ فرهنگی، جنگ نظامی، جنگ تبلیغاتی، جنگ سیاسی. اینها را حاج قاسم انجام داد؛ این، مال آن وقت.

بعد زمدّتی، نوبت داعش رسید؛ آمریکایی‌ها بعد از آنکه دیدند در عراق و بقیّه جاها در آن ناحیه، به صرفه‌شان نیست که مستقیم دخالت کنند، داعش را به وجود آوردند. این را دیگر خود آمریکایی‌ها هم اعتراف کردند که داعش را آن‌ها به وجود آوردند. آن کسی که وارد میدان شد و در مقابل داعش ایستاد، باز شهید سلیمانی بود، که حالا یک نکته‌ای را در این زمینه بعداً عرض خواهم کرد.

مطلب دوّم اینکه راهبرد همیشگی شهید سلیمانی در این فعّالیّت‌های جهادی‌اش عبارت بود از اینکه جبهه مقاومت را احیا کند؛ یعنی چه؟ یعنی از ظرفیّت‌ها و جوان‌های آماده به کار خود آن کشورها استفاده کند که این کار را به بهترین وجهی انجام داد. هر جا که وارد می‌شد ـ عراق یک جور، سوریه یک جور، لبنان یک جور ـ نیروهای میهنی هر کشور را، نیروهای خود آن محل را که آماده به کار بودند، بسیج می‌کرد. خب در عراق مثلاً مرجعیّت فتوا داد یا حکم کرد که مردم و جوانها باید بیایند در مقابل داعش بایستند؛ خیلی خب، هزاران جوان عازم شدند، امّا هزاران جوان بدون سازمان‌دهی، بدون سلاح، بدون آموزش، چه کار می‌توانند بکنند؟ چه کسی این‌ها را سازمان‌دهی کرد؟ چه کسی به این‌ها سلاح داد؟ چه کسی آن‌ها را آموزش‌های کوتاه‌مدّت داد؟ شهید سلیمانی با همکاری دوستان عراقی، [از جمله] شهید ابومهدی ـ شهید ابومهدی را دست کم نگیرید؛ مرد خیلی بزرگی بود، انسان خیلی با ارزشی بود در کنار شهید سلیمانی ـ و دیگرانی که بحمدالله بعضی‌شان زنده هستند، بعضی هم به شهادت رسیدند. این نیروها را شهید سلیمانی کشید وسط میدان؛ این هم یکی از خصوصیّات این شهید بود. این‌ها درس است؛ یعنی از ظرفیّت‌های موجود برای کار بزرگ، بهترین استفاده را کردن، بلد بودن این کار و همّت گماشتن بر این کار؛ این کار شهید سلیمانی بود.

مطلب دیگری که در مورد شهید باید عرض بکنم این است که در همه مراحل این مبارزه بزرگی که این برادر عزیز ما و رفیق صمیمی عزیز ما داشت، دفاع از حریم‌های مقدّس برای او یک اصل بود؛ از عتبات عالیات باید دفاع می‌کرد، از زینبیّه باید دفاع می‌کرد، از مرقدهای صحابه امیرالمؤمنین ـ که عدّه‌ای شان در شام و عدّه‌ای در عراق مدفون هستند ـ باید دفاع می‌کرد، از مسجد الاقصیٰ حرم بزرگ عالم اسلام است؛ برای همین هم بود که آن رهبر فلسطینی، اینجا در سخنرانی پیش از نماز، شهید سلیمانی را گفت «شهید القدس»؛ از آن حرم دفاع می‌کرد. ایران را هم حرم اطلاق می‌کرد، از ایران هم به عنوان حرم دفاع می‌کرد. ببینید! این منطق دفاع از حریم‌های مقدّس، از حرم‌های مقدّس، یک منطق بسیار مهم است. این هم یک خصوصیّت این بزرگوار.

یک خصوصیّت دیگر [این که] نگاه شهید سلیمانی به مسائل کشور یک نگاه بسته و محدود نبود؛ این خیلی مهم است. مسائل کشور را با دیدگاه جهانی و بین‌المللی نگاه می‌کرد و می‌سنجید؛ یعنی چه؟ یعنی معتقد بود که هر حادثه مهمّی که در منطقه بلکه در جهان اتّفاق بیفتد، یک انعکاسی در داخل کشور دارد و در مسائل کشور تأثیر می‌گذارد. در مسائل کشور، آن مقداری که به او مربوط بود ـ یک چیزهایی به ایشان مربوط نبود؛ مسائل اقتصادی به شهید سلیمانی مربوط نبود. تأثیر حوادث جهانی را می‌دید، می‌شناخت، محاسبه می‌کرد و به سراغ آنها می‌رفت. خطر را از بیرون از مرزها تشخیص می‌داد و به فکر علاج بود. این همان تعلیم اسلام است که انسان خطر را از پیش تشخیص بدهد. امیرالمؤمنین فرمود که من بالاالایی دشمن بی‌خیال نمی‌شوم و خوابم نمی‌برد. ایشان این جوری بود؛ این هم یک خصوصیّتی از خصوصیّات این [ایشان]. این‌ها، بعضی از خصوصیّات این شهید عزیز [است].

خب، این خصوصیّات در شهید سلیمانی بود امّا نه به عنوان یک شخص. شهید سلیمانی، به عنوان شخص خودش، به عنوان یک انسان، در درجه بعد مطرح است؛ آنچه مطرح است به عنوان عضو یک مکتب، راه و یک راه به سمت یک هدف، مطرح است. این خصوصیّات را شهید سلیمانی به عنوان یک مکتب، دارا بود و دنبال می‌کرد و احساس وظیفه می‌کرد که حالا به آن می‌گوییم «مکتب سلیمانی» [که همان] مکتب اسلام است، مکتب قرآن است و او به این مکتب پایبند بود و به آن عمل می‌کرد. شد شاخص، شد محور، شد مرکز. ما هم اگر همان ایمان را، همان عمل را، همان عمل صالح را داشته باشیم، می‌شویم سلیمانی. هر کدام از ما هم دارای همین پایبندی به این راه باشیم، ما هم مشمول همان لطف الهی می‌شویم. خب این نکته اوّل بود راجع به شهید سلیمانی.

نکته بعدی درباره مسئله «دفاع از حرم» است. «دفاع از حرم» یک عنوانی است که در ایران، در بین مردم ما و جامعه ما، آن چنان جا افتاد که بهترین جان‌های ما آماده شدند که بروند خودشان را برای آن فدا کنند؛ خون‌های پاکی ریخته شد، جان‌های عزیزی در این راه برای دفاع از حرم داده شد. یک عدّه‌ای ـ حالا من تعبیر بد نمی‌خواهم بکنم ـ از روی عدم تحلیل درست، عدم فهم درست، عدم شناخت لازم از مسائل، تصوّر می‌کنند و به زبان می‌آورند و شاید ترویج می‌کنند که با حوادث اخیر منطقه، خون‌هایی که در راه دفاع از حرم ریخته شد، هدر رفت! این خطای بزرگ و این اشتباه بزرگ را این‌ها می‌کنند. خون‌ها هدر نرفت.

اگر این جان‌ها نمی‌رفتند، این مبارزه انجام نمی‌گرفت، این حاج قاسم سلیمانی در کوه‌ها و بیابان‌های این منطقه با آن شهامت حرکت نمی‌کرد و [مدافعان را] دنبال خودش نمی‌کشاند، امروز از این اعتاب مقدّسه خبری نبود؛ این را مطمئن باشید. نه فقط از زینبیّه خبری نبود، از کربلا هم خبری نبود، از نجف هم خبری نبود. دلیلش؟ سامرّا؛ در مورد سامرّا یک مقدار غفلت شد، شما دیدید که گنبد عسکریّین (علیهما السّلام) را ویران کردند، ضریح شان را شکستند؛ چه کسانی؟ همان تکفیری‌ها، با کمک آمریکایی‌ها. همه جا همین جور می‌شد؛ اگر چنانچه این دفاع انجام نمی‌گرفت، سرنوشت این اعتاب مقدّس، این قبله‌های دل مردم مسلمان، سرنوشت همان گنبد تخریب شده عسکریّین (علیهما السّلام) می‌شد. این‌ها رفتند تلاش کردند، کار کردند، جلوی دشمن را گرفتند، توی دهن دشمن زدند، توانستند از یک حقیقت بزرگ دفاع کنند. این حقیقت بزرگ فقط هم مکان مقدّس نیست؛ صاحب مکان است، مکتب آن امام بزرگوار است.

این راهم ما بدانیم که اساساً در فرهنگ قرآنی، هر خونی که در راه خدا ریخته بشود، بجا ریخته شده، هدر نمی‌رود؛ هیچ خونی هدر نمی‌رود؛ حتّی اگر چنانچه پیروزی حاصل نشود، خونی که ریخته شد، هدر نمی‌رود. خون جناب حمزه در اُحد ریخته شد؛ هدر رفت؟ نه. بالاتر از همه، خون سیّدالشّهدا (سلام‌الله‌علیه) در کربلا ریخته شد؛ هدر رفت؟ نه. خونی که در راه حق ریخته می‌شود هدر نمی‌رود. قرآن هم ناطق به این معنا است؛ قرآن می‌فرماید: وَمَن یُقاتِل فی سَبیلِ اللّهِ فَیُقتَل اَو یَغلِب فَسَوفَ نُؤتیهِ اَجرًا عَظیمًا. فرق نمی‌کند؛ چه پیروز بشوید، چه کشته بشوید، شکست بخورید، پیروز نشوید، نفْس این حرکت پیش خدا ارزش دارد؛ این جهاد پیش خدای متعال ارزش دارد، اهمّیّت دارد. و البتّه پیروزی هم قطعی است.

حالا به این جوله باطل نگاه نکنید؛ بدانید این هایی که امروز جَوَلان می‌دهند، یک روز زیر پای مؤمنین لگدمال خواهند شد.

نکته بعدی یک نکته مربوط به انقلاب است، مربوط به جمهوری اسلامی است. حوادث این چند سالی که شهید سلیمانی و یارانش و دوستانش در آن فعّال بودند و نمایان بودند، از جمله حوادث دفاع از حرم، نشان داد که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی سرزنده است، باطراوت است، درخت ثمربخش است؛ تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها؛ این را نشان داد. جوان دهه ۸۰ و دهه ۹۰، مثل جوان دهه ۶۰، وارد میدان شد، مبارزه کرد، جان خودش را فدا کرد. همان طوری که در دهه ۶۰ بعضی از جوان‌ها به پای پدر و مادرشان می‌افتادند که اجازه بدهند بروند جبهه، در دهه ۸۰ و ۹۰، بعضی از جوان‌ها، به پای پدر و مادر می‌افتادند. شهید حججی پای مادرش را می‌بوسید که اجازه بدهد برود جبهه، برود مبارزه کند، برود دفاع کند از حرم. این نشان می‌دهد که انقلاب سرزنده است. خیلی از تحرّکات اجتماعی در دنیا اتّفاق می‌افتد، اوّلش یک نشاط و سرزندگی و تحرّکی دارد، بعد به افسردگی تبدیل می‌شود و تمام می‌شود. جمهوری اسلامی بعد از چهل و چند سال امروز زنده است. امروز هم این جوان عزیز ما اینجا بلند شد و قطعاً میلیون‌ها جوان این جوری هستند که می‌گویند اگر چنانچه لازم باشد، نیاز باشد برای دفاع از اسلام در مقابل دشمن، حاضریم جانمان را فدا کنیم.

مدافعان حرم نشان دادند که پرچم مقاومت همچنان در اهتزاز است و دشمن در طول این سال‌ها، با این همه سرمایه‌گذاری‌ای که کرده و هزینه‌ای که متحمّل شده، نتوانسته پرچم مقاومت را پایین بکشد؛ چه در لبنان، چه در فلسطین، چه در سوریه، چه در عراق و چه در ایران؛ نتوانسته و نخواهد توانست.

یک نکته مهمّی که من اینجا یادداشت کردم، این است که این ایستادگی‌ها، این اقتدار ملّی در هر کشوری یک عواملی دارد؛ این عوامل را باید حفظ کرد. از اشتباهات بزرگ در بعضی از کشورها این است که عوامل ثبات و اقتدار را از عرصه و صحنه خارج می‌کنند. مجموعه جوان‌های مؤمنی که حاضرند جانشان را فدا کنند، این‌ها مهم‌ترین عوامل اقتدار یک ملّت‌اند؛ این‌ها را نباید از صحنه خارج کرد. این هم درس برای ما است. خب بحمدالله این جا که تا حدود زیادی تأمین است، بعضی کشورهای دیگر هم بایست به این نکته توجّه کنند؛ باید بدانند که عوامل ثباتشان چه چیزهایی است؛ وقتی آن‌ها را خارج می‌کنند، همین اتّفاق می‌افتد که در بعضی از کشورها در منطقه اتّفاق افتاد. عوامل ثبات را، عوامل اقتدار را بیرون می‌کنند، می‌شود سوریه، می‌شود هرج و مرج، می‌شود تصرّف خاک سوریه به وسیله بیگانگان؛ آمریکا از یک طرف، رژیم صهیونی از یک طرف، بعضی کشورهای متعرّض دیگر از یک طرف وارد می‌شوند.

البتّه این‌ها نمی‌توانند بمانند. سوریه متعلّق به مردم سوریه است. کسانی که به خاک مردم سوریه تعرّض کردند، یک روزی در مقابل قدرت جوان‌های غیور سوری مجبور خواهند شد بروند عقب؛ بدون تردید، این اتّفاق خواهد افتاد. متجاوز بایستی از خاک متعلّق به یک ملّت، خودش خارج بشود، وَالّا خارجش می‌کنند. امروز آمریکایی‌ها در سوریه پی‌درپی پایگاه می‌سازند؛ حتماً و بدون تردید، این پایگاه‌ها در زیر لگد جوانان سوری پایمال خواهد شد.

لبنان نماد مقاومت است. لبنان ضربه خورده، لکن خم نشده، به زانو درنیامده. دشمن ضربه می‌زند، امّا «فَاِنَّهُم یَألَمونَ کَما تَألَمون»؛ خودش هم ضربه می‌خورد. و آن که در نهایت پیروز است، قدرت ایمان است و صاحبان ایمانند. لبنان نماد مقاومت است و پیروز خواهد شد؛ یمن هم نماد مقاومت است و پیروز خواهد شد. وان شاءالله دشمن و متجاوزین، در رأس همه آن‌ها آمریکای طمّاع و جنایت‌کار، مجبور خواهند شد دست از سر مردم منطقه و ملّت‌های منطقه بردارند و با ذلّت از این منطقه ان شاءالله خارج بشوند.

سرمقاله

سرباز راه علی (علیه السلام)

محسن پیرهادی

یک. در وصف مولای متقیان علیه‌السلام آمده که آن حضرت جمع اضداد بود. اوج مهربانی و قله جنگاوری بود، لبریز از عاطفه و سرشار از خشم مقدس، اسطوره زهد و سرتاپا در حال تلاش و کار، خلوت‌گزین و سحرنشین سجاده و امیر کلام و بیان. در وصف مقام او دستمان کوتاه است و خرما بر نخیل.

دو. اولیای خدا معمولا در میان خلایق گمنام‌اند. این افتخار و خوش‌اقبالی عصر ماست که چهره‌ای همچون حاج قاسم سلیمانی با سرشت علوی، چنان میان ما بود که درک شخصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام کمی به ذهن نزدیک شود. او در میان ما بود. بارها صحبت‌هایش را شنیدیم. مواضعش را به نظاره نشستیم. اغلب ما حدود دو دهه می‌شناختیمش. سال‌های آخر قبل از شهادت که همه او را می‌شناختند. حالا پنج سال است که مزارش در گلزار شهدای کرمان، میعادگاه میلیون‌ها انسان است.

سه. حاج قاسم چه کرد که تا این اندازه محبوب شد؟ ما که سردار شهید کم نداشته‌ایم. چرا حاج قاسم در میان خیل شهیدان، سیدالشهدا نامیده شد؟ چرا در اغلب سخنان و دیدارها، رهبر معظم انقلاب از رفیق عزیزشان یاد می‌کنند؟ نکته اصلی همین جاست. راز جاودانگی و مقام بلند او چیست؟

چهار. حاج قاسم در نوبه خود، در عصر ما جمع اضداد بود. او در حالی که تمدنی‌ترین و اسلامی‌ترین دفاع این قرن را پیش می‌برد و هر روز در یکی از سرزمین‌های اسلامی نقش ایفا می‌کرد، میهن‌پرست‌ترین ما هم بود. او در حالی که لحظه‌ای از دغدغه فلسطین و لبنان و سوریه و عراق فارغ نمی‌شد، ایران را حرم می‌دانست و می‌دانیم که حرم در نگاه او چه ابعادی می‌تواند داشته باشد. نام حاج قاسم لرزه بر اندام دشمنان می‌انداخت اما به گونه‌ای عموی مهربان فرزندان شهدا بود و برایشان وقت می‌گذاشت که قابل تصور نبود. وقتش همچون امیرالمؤمنین برکت داشت. ده‌ها عملیات برون مرزی را رصد و در موارد ی مدیریت می‌کرد، در سیل و بحران‌های داخلی خدمتگزار بود، در عرصه‌های داخلی و ملی نقش جدی ایفا می‌کرد و در عین حال صدها فرزند شهید از ارتباط مداوم او با خود خاطره‌ها دارند. این را مقایسه کنید با مایی که در مدیریت‌های کوچک، کمتر فرصتی برای خانواده و دوستان خودمان پیدا می‌کنیم. این به راستی سؤال است که چگونه صدها فرزند شهید از ملاقات حضوری، تماس تلفنی، ارسال پیام و حتی عیادت‌های او در بیمارستان خاطره‌ها دارند. مگر حاج قاسم با این همه مشغله، چه قدر وقتش برکت پیدا کرده بود.

پنج. حاج قاسم خیلی معمولی بود. از آن جنس معمولی‌ها که امیرالمؤمنین در صفات پیامبر خاتم می‌فرمود که اگر بر سفره‌ای بنشیند از بندگان و بردگان شناخته نمی‌شود. او تا پایان عمر، یک ایرانی روستایی باقی ماند. حتی کرمانی یا به قول مردم آن خطه کرمونی باقی ماند و با وجود آن که هر جا وصیت می‌کرد، از اعتاب مقدس عراق گرفته تا مشهد الرضا می‌توانست منزل ابدی گزینند، خواست که در کرمان و کنار همشهریان شهیدش به خاک سپرده شود. او خیلی به فکر بود و با تدبیر بود و حتی نوشته روی سنگ مزارش را از قبل اندیشیده بود. او جمع بین شیعه و سنی در منطقه، جمع بین راست و چپ در جریانات سیاسی، جمع بین متدینین و عرفی‌ها در جامعه و جمع بین نگاه ملی و فراملی و تمدنی بود. واژه‌ای هم که برای سنگ مزار خود برگزید در یک کلام، جامع و مانع بود: «سرباز قاسم سلیمانی».

خبر

شیخ نعیم قاسم:

دولت لبنان در خروج نیروهای اسرائیل از این کشور مسئول است

شیخ نعیم قاسم روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه ـ در پیام تصویری به آیین بزرگداشت روز علوم انسانی اسلامی و چهارمین کنگره بین‌المللی استاد فکر، مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی (ره) با گرامی داشت یاد این اندیشمند اظهار داشت: ما معتقدیم که یک رابطه حقیقی بین جهاد از منظر اسلامی و آزادسازی سرزمین از نگاه میهنی و ملی وجود دارد. موضع ما موضع مقابله با تجاوز و مقاومت در برابر آن است. وی گفت: هیچ تعارضی بین روحیه جهادی ما که براساس آن حرکت می‌کنیم و روحیه وطن دوستی که دیگران براساس آن در مسیر آزادسازی سرزمین گام برمی‌دارند، وجود ندارد. در اینجا بین این دو رابطه وجود دارد. طبیعی است که فرزندان یک خط واحد در امتداد جهان اسلام با یکدیگر تعاون و همکاری کنند. چرا که آنان حاملان نگاه اسلامی واحد و جهادی واحد هستند و طبیعی است فرزندان یک جغرافیای واحد یعنی فرزندان یک وطن واحد با روحیه میهن دوستی به خاطر آزادی با یکدیگر همکاری کنند.

به گزارش ایرنا، شیخ نعیم قاسم افزود: در اینجا امتداد در عقیده و امتداد در جغرافیا پدید می‌آید و دو طرف با یکدیگر همکاری می‌کنند و نتیجه آن ایجاد نیرویی حقیقی در برابر تجاوزات است. دبیرکل حزب‌الله لبنان بیان کرد: به همین خاطر ما معتقدیم همکاری که بین ایران اسلامی به خاطر مقابله با چالش‌های موجود در منطقه حاصل شد و پشتیبانی حزب الله و یمن و عراق نسبت به غزه، همه از دیدگاه واحدی ناشی است که به مقابله با دشمن مشترک پیوند خورده است. حتی اگر در جغرافیای خاص باشد، از دیدگاه ایمانی و اعتقادی و برتمام کسانی که در آن جغرافیا و سرزمین زندگی می‌کنند لازم است که در مقابل این دشمن بایستند. وی اظهار داشت: در حقیقت ما با این باوریم که در این روباروی با دشمن اسرائیلی از سه مرحله گذشته‌ایم؛ مرحله اول، مرحله پشتیبانی غزه و این مرحله جزیی از ایمان و عقیده ما و جزیی از وطن دوستی ما و بخشی از ضرورت همکاری پیروان خط واحد در مواجهه با دشمن مشترک است. دشمن مشترکی که آمریکا به عنوان شیطان بزرگ آن را با تمام امکاناتش حمایت می‌کند تا منطقه را تخریب کرده و بر آن تسلط یابد. برماست که از امت اسلامی و جهان سوال کنیم که چرا فلسطین و غزه را در برابر دشمن حمایت نمی‌کنند؟ و ما در اینجا به این حمایت افتخار می‌کنیم و این عمل ما باعث شد که شیاطین عالم به همراه اشغالگر غاصب یعنی رژیم اسرائیل در مخمصه قرار بگیرند. نعیم قاسم گفت: حقیقتا مقاومتی اسطوره‌ای در برابر دشمن اسرائیلی در غزه و لبنان شکل گرفت و تعاون و همکاری بین برادران در حمایت از این پایداری اسطوره‌ای نقش بسزایی داشت. خون‌های شهید حاج قاسم سلیمانی، سیدالشهدای امت سیدحسن نصرالله، سیدهاشم صفی‌الدین، یحیی السنوار، اسماعیل هنیه، حمایت انصارالله یمن، شهادت ابومهدی المهندس و پشتیبانی حشدالشعبی، مراجع دینی در نجف اشرف و قم مقدس، آزادگان جهان که برحسب توان و امکاناتشان هر چند که داشتند، تقدیم کردند. تمام این همکاری‌ها ما را در موقعیتی قرار داد که بتوانیم دشمن را رسوا کنیم و در استمرار مقاومت و استواری آن برای آینده و به خاطر دستاوردهای عملی تصمیم قاطع بگیریم. دبیرکل حزب‌الله لبنان افزود: از اینجام مرحله سوم آغاز شد، مرحله سوم را مرحله پس از توقف تجاوز اسرائیل بر ضد لبنان می‌نامم. در این مرحله ما به توافقی رسیدیم که مانع از استمرار تجاوز دشمن شد و او را ملزم کرد به اینکه از سرزمین‌های اشغالی لبنان خارج شوند و در نتیجه حزب‌الله هم ملتزم شد به اینکه دفاع را متوقف کند و سلاح‌ها و رزمندگان را از جنوب رود لیطانی ببرد. ما شروع به اجرای این توافق کردیم. در حالی که دولت لبنان این توافق را بست و در قبال پیروی و همراهی آن به طور مستقیم مسئول است.

گزیده‌ای از خاطرات خواندنی سردار دل‌ها:

جریان‌ها اصل نیستند؛ اصل نظام اسلامی است

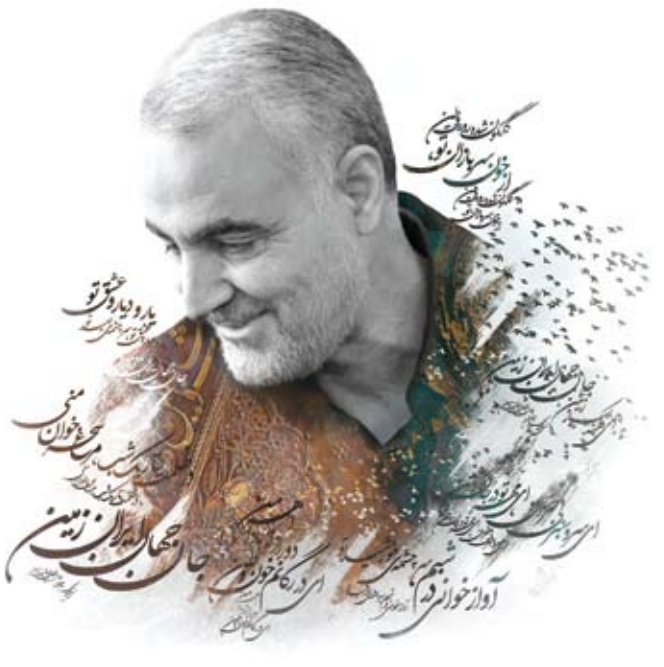

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران و سیدالشهدای محور مقاومت در بخشی از خاطرات خود مطالبی در مورد شکست‌ناپذیری انقلاب اسلامی و توجه به ولایت فقیه عنوان کرده است.

گزیده سخنان سردار سلیمانی در این خصوص شرح زیر است: «یقین بدانیم این انقلاب شکست ناپذیر است. ماها امتحان می شویم. تحلیل های غلط نکنیم. خودمان را با تحلیل‌های بیخودی سرگرم نکنیم. بنای الهی این است که این انقلاب بماند و پیروز بشود. این بنای الهی است.

برادران! خواهران! امروز این دنیا، این جهان مادی، با بیش از صدوهفتاد تا صدوهشتاد کشوری که در این دنیا وجود دارد، والله العظیم، والله العظیم، والله العظیم، هیچ کشوری در جهان اسلام وجود ندارد الا این که زیر سیطره صلیبی‌ها باشد، جز جمهوری اسلامی ایران. از دوره سقوط عثمانی تاکنون، سیطره صلیبی‌ها بر جهان اسلام یکپارچه بوده است.

امام هنرش فقط این نبود که یک حکومت را برمبنای اسلام و احکام اسلام بنا کرد. هنر امام این بود که یک کشور را آن هم وابسته‌ترین کشور را از زیر یوغ صلیبیت خارج کرد و ایستاد و آن را موفق کرد.

همه این فشاری که روی ما هست، برای این است که ما را از این خروش برگرداند. همه فشار برای این است. نگاه کنید به دنیا. ببینید دموکراسی دنیا را. ببینید آمریکا را در عراق، آمریکا را در افغانستان، ببینید مسلمان‌ها را در غزه، این دنیای آن‌ها است. این دموکراسی آن‌ها است.

به دو چیز باید تمسک کنیم و اگر امام را دوست داریم و اگر به راه شهیدان اعتقاد داریم، باید به این دو تا ثقل مهم توجه کنیم؛ این دو ثقلِ ثقلینِ مهمینِ امام را؛ یکی جمهوری اسلامی که امروز تنها منادی دفاع از اسلام است. تنها منادی که می‌گویم، با علم می‌گویم. این کلامی نیست که من بالقلقه زبان بیان کنم.

دو، ولایت فقیه این ولی فقیه که اصلح‌ترین، احکم‌ترین و در بین همه علما و بزرگان ما برجسته‌ترین است، مقام معظم رهبری، حضرت آیة‌الله امام خامنه‌ای است. این یک ارزش و سرمایه بزرگ است.

ما اگر ولایت فقیه نداشتیم در همان روزهای اول انقلاب کارمان تمام بود. ما اگر ولایت فقیه نداشتیم، در همه این بحران‌ها کارمان تمام بود. این پاکستان را نگاه کنید. این کشور دارای بمب هسته‌ای را چطور تحقیرش کردند مچاله‌اش کردند، درهم فروشکستنش!

امام، اسلام شناس بزرگی بود و با دقت کانون‌های این حکومت را بر مبنای اسلام بنا گذاشت. بدون ولایت فقیه حکومت اسلامی معنایی ندارد. به این دلیل فرمود پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این کشور آسیبی نرسد.

من به برادران عزیز جوان خودم می‌گویم کار هم ندارم کسی حرف من را قبول دارد یا ندارد. بعضی از اصول برای ما مهم هستند، بعضی اصول نیستند، فروع‌اند. حزب و جناح فرع است، اصل ولی فقیه است. اصل، جمهوری اسلامی است. اصل نظام اسلامی است. این جا، جایی است که اگر به خطر افتاد، اگر کسی با آن مواجه شد، ما با جانمان با او مواجه می‌شویم. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند، قاسم سلیمانی می‌رود، قاسم سلیمانی دیگری می‌آید. احزاب و جریان‌ها اصل نیستند. اصول را توجه کنیم. اگر می‌خواهیم جامعه ما به وحدت حقیقی برسد باید جامعه را در همه سطوح به اصول متوجه بکنیم.

اصول خیلی طول و عرض گسترده‌ای ندارد. همین چند تا است. اصل اساسی نگاه دارنده این نظام ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جانمان، با خون‌مان، در همه آحادمان از آن دفاع می‌کنیم. جان‌مان را می‌دهیم و هزاران بار می‌دهیم.»

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت ارمغان سلامت کودک (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۵۰۶۲۳۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۵۹۲۸۱۳ و سرمایه ثبتی ۳۶,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰

بدینوسیله از تمامی سهامداران محترم، وکیل یا نماینده قانونی صاحب سهم شرکت ارمغان سلامت کودک (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام که در روز پنجشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۴ رأس ساعت ۱۷ به نشانی: تهران، شهران، بلوار کوهسار، بعد از مجتمع OPG، روبروی داروخانه، رستوران آبی تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه :

۱) استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت در خصوص افزایش سرمایه

۲) اتخاذ تصمیم در خصوص افزایش سرمایه و اصلاح ماده ۵ اساسنامه

۳) سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده باشد.

• شایان ذکر است نمایندگان قانونی سهامداران محترم برای حضور در جلسه مجمع عمومی فوق العاده، کارت شناسایی و وکالت نامه محضری را همراه داشته باشند.

هیأت مدیره شرکت ارمغان سلامت کودک (سهامی خاص)

خ ت ۱۴۰۳/۱۰/۱۳